

آیین دادرسی کیفری

جلد چهارم

اندیشه‌ها

تألیف:

دکتر محمود آخوندی



مجمع علمی و فرهنگی مجد

آخوندی، محمود
آیین دادرسی کیفری / تألیف دکتر محمود آخوندی. تهران: مجمع
علمی و فرهنگی مجد
جلد چهارم، ویراست سوم - شابک: ۷-۶۰-۶۴۴-۷۸۲۰-۹۶۴
ISBN: 964-7820-60-7

فهرست نویسی بر اساس فیبا.
مندرجات: ج ۱. کلیات و دعاوی ناشی از جرم - ج ۲. ج ۳. اجرای احکام
کیفری - جلد ۴. اندیشه ها
۱. آیین دادرسی جزایی - ایران. الف. ایران. ب. عنوان.
۲۴۵/۵۵۰۵ KMH ۳۹۴۶/۱۹۳۱۹
کتابخانه ملی ایران

آیین دادرسی کیفری

جلد چهارم - اندیشه ها

دکتر محمود آخوندی

انتشارات مجد

چاپ اول مجد: ۱۳۸۴ تعداد: ۵۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصر به «مجد» است.

دفتر مرکزی:

تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۱۰، طبقه دوم

تلفن: ۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۴۹۰۹۹۸ دورنگار: ۶۹۵۰۸۴۱

شابک: ۷-۶۰-۶۴۴-۷۸۲۰-۹۶۴
ISBN: 964-7820-60-7

نمایشگاه دالمی کتابهای حقوقی و قانون در دفتر مرکزی «مجد»

www.majdpub.com

E-mail: info@majdpub.com

فهرست مطالب

۲۵		مقدمه چاپ سوّم
۳۵		مقدمه چاپ دوم
۳۹		پیشگفتار

بخش یکم: اندیشه‌های محوری قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب

۴۳		۱. مقدمه و تقسیم بندی
۴۵		فصل یکم: کلیات
۴۵		۲. مقدمه
۴۶		۳. تعریف
۴۶		۴. پیام اوّل
۴۸		۵. پیام دوّم
۴۸		۶. مراحل دادرسی‌های جزایی
۴۸		۷. یکم - مرحله کشف
۴۹		۸. دوّم - مرحله تحقیقات مقدماتی
۵۰		۹. سوّم - مرحله تعقیب
۵۰		۱۰. چهارم - مرحله دادرسی
۵۱		۱۱. پنجم - مرحله اجرا
۵۱		۱۲. دادگاه‌های عمومی و انقلاب

۵۳		فصل دوّم: یک سی و هشتم
۵۳		۱۳. مقدمه
۵۴		۱۴. نمونه‌ای برای تفسیر
۵۵		گفتار یکم: فلسفه قانون
۵۵		۱۵. بیان علت وضع در متن قانون
۵۶		۱۶. تفاوت وضع قانون و صدور حکم دادگاه
۵۶		۱۷. مشکلات اجرایی ناشی از ذکر فلسفه وضع قانون

۵۷	گفتار دوم: اجرای عدالت
۵۷	۱۸. رسیدگی و حل و فصل دعاوی
۵۷	۱۹. الف - حل و فصل در دادرسی‌های حقوقی و مدنی
۵۸	۲۰. ب - «حل و فصل» در امور جزایی
۵۹	گفتار سوم: کلیه دعاوی
۵۹	۲۱. طرح مسأله و کلیات
۶۰	۲۲. نخستین محدودیت قانونی نسبت به عبارت «کلیه دعاوی»
۶۰	۲۳. دومین محدودیت قانونی نسبت به عبارت «کلیه دعاوی»
۶۲	گفتار چهارم: طرق مختلف مراجعه به قاضی
۶۲	۲۴. مراجعه مستقیم به قاضی و مفهوم آن
۶۴	۲۵. پیشینه «مراجعه مستقیم به قاضی»
۶۴	۲۶. روش‌های مراجعه به دستگاه قضایی در امور کیفری
۶۴	۲۷. الف - مراجعه به دادگاه
۶۵	۲۸. ب - مراجعه به دادسرا
۶۷	گفتار پنجم: دیدگاه کلی
۶۷	۲۹. ابهام در عبارت «مرجع قضایی واحد»
۶۷	۳۰. عدم هماهنگی «مرجع قضایی واحد» با سازمان قضایی موجود
۶۷	۳۱. عملی نبودن مراجعه به «مرجع قضایی واحد» در همه دعاوی
۶۸	گفتار ششم: کلیات
۶۸	۳۲. صلاحیت عام
۶۹	۳۳. نتیجه
۷۱	فصل سوم: قاضی بدون اختیار
۷۱	۳۴. مقدمه
۷۲	۳۵. مفهوم قاضی تحقیق
۷۳	گفتار یکم: مفهوم قاضی تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری
۷۳	۳۶. کلیات
۷۴	۳۷. وظایف قاضی تحقیق
۷۴	۳۸. موقعیت قاضی تحقیق
۷۵	۳۹. تحقیقات مقدماتی

گفتار دوم: مفهوم قاضی تحقیق در قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب.....	۷۵
۴۰. روش دادرسی در دادگاه‌های عمومی.....	۷۵
۴۱. مواد مربوط به قاضی تحقیق در قانون جدید.....	۷۷
۴۲. تفاوت قاضی تحقیق در این قانون با سایر قوانین.....	۷۸
۴۳. نتیجه.....	۷۹
گفتار سوم: صلاحیت و تکالیف قاضی تحقیق.....	۸۱
۴۴. مقدمه.....	۸۱
۴۵. ارجاع به قاضی تحقیق.....	۸۱
۴۶. لزوم ارجاع.....	۸۱
۴۷. ارجاع کلی پرونده‌ها به قاضی تحقیق.....	۸۲
۴۸. قاضی تحقیق و پذیرش شکایت و یا اعلام جرم.....	۸۳
۴۹. وظیفه قاضی تحقیق در برابر جرایم مشهود.....	۸۳
۵۰. قاضی تحقیق و کشیک.....	۸۴
۵۱. ارجاع پرونده به ضابطین دادگستری از طرف قضات تحقیق.....	۸۵
۵۲. امور قابل ارجاع به قاضی تحقیق.....	۸۵
۵۳. نتایج عملی مترتب بر موقعیت کنونی قاضی تحقیق.....	۸۶
۵۴. قاضی تحقیق و اخذ تامین.....	۸۶
۵۵. اخذ آخرین دفاع.....	۸۷
۵۶. اجرای حکم.....	۸۸
۵۷. نیابت قضایی.....	۸۸
۵۸. اقرار نزد قاضی تحقیق.....	۸۹
۵۹. شهادت نزد قاضی تحقیق.....	۸۹
۶۰. آیین‌نامه شرح وظایف قضات تحقیق.....	۸۹
۶۱. نتایج بدون اختیار بودن قاضی تحقیق.....	۹۰
۶۲. موقعیت کنونی قاضی تحقیق.....	۹۲
فصل چهارم: اندیشه‌های بنیادی دادگاه‌های عمومی و انقلاب.....	۹۵
۶۳. مقدمه و کلیات.....	۹۵
۶۴. شرح ماده ۱.....	۹۶
۶۵. شرح ماده ۲.....	۹۶
۶۶. شرح ماده ۳.....	۹۷

۶۷. شرح ماده ۴	۹۸
۶۸. شرح ماده ۵	۹۸
۶۹. بحث تاریخی درباره دادگاه انقلاب	۹۸
۷۰. دادگاه انقلاب در جمهوری اسلامی ایران	۱۰۰
۷۱. صلاحیت دادگاه‌های انقلاب	۱۰۰
۷۲. صلاحیت دادگاه انقلاب در قانون مورد بررسی	۱۰۱
۷۳. تغییرات بنیادی در دادگاه‌های انقلاب	۱۰۴
۷۴. نظریه کلی درباره دادگاه‌های انقلاب	۱۰۴
۷۵. شرح ماده ۶	۱۰۵
۷۶. شرح ماده ۷	۱۰۶
۷۷. شرح مواد ۸ و ۹	۱۰۷
۷۸. شرح ماده ۱۰	۱۰۸
۷۹. شرح ماده ۱۱	۱۱۰
۸۰. شرح ماده ۱۲	۱۱۰
۸۱. شرح ماده ۱۳	۱۱۱
۸۲. شرح ماده ۱۴	۱۱۱
۸۳ الف - وحدت قاضی	۱۱۲
۸۴ روش وحدت یا تعدد قاضی پیش از انقلاب اسلامی در ایران	۱۱۳
۸۵ روش وحدت یا تعدد قاضی پس از پیروزی انقلاب اسلامی	۱۱۴
۸۶ ب - انجام تمامی اقدامات و تحقیقات ضروری	۱۱۵
۸۷ امکان انجام بعضی اقدامات و تحقیقات بوسیله غیرحاکم دادگاه و نیابت قضایی	۱۱۶
۸۸ روش تعدد قاضی در قانون مورد بررسی	۱۱۶
۸۹ نظری به سایر مواد	۱۱۷
۹۰ نتیجه	۱۱۸
فصل پنجم: فردگرایی در قانون نویسی	۱۱۹
۹۱ نمونه‌ای از فردگرایی در تنظیم مقررات	۱۱۹
۹۲ نمونه‌ای از توجیهات باطل برای فردگرایی	۱۲۰
۹۳ اشاره‌ای به تفاوت‌های قانون و آیین‌نامه	۱۲۰
۹۴ تاثیر فردگرایی در برخی قوانین جدید	۱۲۱

۹۵. جلوه‌های فردگرایی در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۲۱

۹۶. اشاره به برخی زبان‌های فردگرایی در این قانون ۱۲۳

فصل ششم: دورنمای دادگستری در دو چهره ۱۲۵

۹۷. دادگستری از دو منظر ۱۲۵

۹۸. نگاهی به تاریخ دادگستری در ایران ۱۲۶

۹۹. چهره دادگستری ما در دوران معاصر ۱۲۷

۱۰۰. چند پیشنهاد عملی برای اعتلای دادگستری ۱۲۸

بخش دوم: سیری در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب

در امور کیفری، از لحاظ پیشبرد اهداف حقوق بشر

۱۰۱. مقدمه و تقسیم بندی ۱۳۱

فصل یکم: کلیات ۱۳۳

۱۰۲. طرح موضوع ۱۳۳

۱۰۳. اهداف آیین دادرسی کیفری ۱۳۴

۱۰۴. تامین منافع بزه دیده به عنوان هدف دادرسی کیفری و نتایج این دیدگاه ۱۳۵

۱۰۵. حمایت از جامعه در برابر بزهکاران به عنوان هدف دادرسی کیفری

و نتایج این دیدگاه ۱۳۵

۱۰۶. تامین منافع متهم و حق دفاع او به عنوان هدف دادرسی کیفری

و نتایج این دیدگاه ۱۳۶

۱۰۷. مطالعه‌ای در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب

در امور کیفری ۱۳۶

فصل دوم: نظری به قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور

کیفری ۱۳۹

۱۰۸. تقسیم بندی ۱۳۹

۱۰۹. مجرم دانستن متهم ۱۳۹

۱۱۰. جنبه الهی جرایم ۱۴۱

۱۱۱. ابهام در تشخیص جرایم قابل گذشت ۱۴۲

۱۱۲. منافع ممکن الحصول ۱۴۳

۱۱۳. آثار افزایش مهلت تقدیم دادخواست ضرر و زیان ۱۴۴
۱۱۴. بررسی مسأله در قوانین ایران ۱۴۵
۱۱۵. رسیدگی به ادعای ضرر و زیان با وجود صدور حکم تبرئه ۱۴۶
۱۱۶. اناطه کیفری ۱۴۷
۱۱۷. درنگی در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی جدید ۱۴۸
- باب اول: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی ۱۵۱
۱۱۸. مقدمه ۱۵۱
- فصل یکم: ضابطین دادگستری و تکالیف آنان ۱۵۳
۱۱۹. مقدمه ۱۵۳
۱۲۰. افزایش تعداد ضابطین قوه قضاییه ۱۵۳
۱۲۱. جرایم مشهود ۱۵۵
۱۲۲. افزایش اختیار ضابطین دادگستری ۱۵۵
- فصل دوم: اختیارات دادرس دادگاه و قاضی تحقیق ۱۵۹
۱۲۳. کلیات ۱۵۹
- گفتار یکم: قرار بازداشت موقت ۱۶۰
۱۲۴. تعریف و دیدگاه‌های کلی ۱۶۰
۱۲۵. انواع قرار بازداشت موقت ۱۶۱
۱۲۶. یک - قرار بازداشت موقت اختیاری ۱۶۱
۱۲۷. اولین مورد قرار بازداشت موقت اختیاری ۱۶۱
۱۲۸. دومین مورد قرار بازداشت موقت اختیاری ۱۶۲
۱۲۹. سومین مورد قرار بازداشت موقت اختیاری ۱۶۲
۱۳۰. چهارمین مورد قرار بازداشت موقت اختیاری ۱۶۳
۱۳۱. پنجمین مورد قرار بازداشت موقت اختیاری ۱۶۴
۱۳۲. دو - قرار بازداشت موقت اجباری ۱۶۴
۱۳۳. امکان قانونی بازداشت متهم در حقوق الناس ۱۶۶
۱۳۴. قرار بازداشت موقت اجباری در قوانین خاص ۱۶۶
۱۳۵. نتیجه ۱۶۷
۱۳۶. صدور قرار بازداشت موقت توسط قاضی تحقیق ۱۶۷

۱۳۷	صدور قرار بازداشت موقت به وسیله رئیس حوزه قضایی	۱۶۸
۱۳۸	افزایش مراجع و مقامات صالح برای صدور قرار بازداشت موقت	۱۶۸
۱۳۹	نیابت قضایی	۱۶۹
۱۴۰	اعزام متهم دستگیر شده	۱۶۹
۱۴۱	جلب متهم و شهود برای استماع اقرار و شهادت	۱۷۱
گفتار دوم: احاله		۱۷۲
۱۴۲	کلیات	۱۷۲
۱۴۳	اشاره‌ای به فلسفه احاله کیفری	۱۷۳
گفتار سوم: تامین خواسته		۱۷۴
۱۴۴	قطعی بودن قرار تامین خواسته	۱۷۴
گفتار چهارم: بدعت‌ها		۱۷۵
۱۴۵	حاکم دادگاه در نقش شاکی خصوصی	۱۷۵
۱۴۶	محکوم کردن متهم مبتلا به جنون	۱۷۷
۱۴۷	تاکید فراوان بر جرایم امنیتی	۱۷۸
فصل سوم: تفتیش و بازرسی منازل و کنترل تلفن		۱۸۱
۱۴۸	مقدمه و کلیات	۱۸۱
گفتار یکم: تفتیش منازل		۱۸۱
۱۴۹	مصونیت منزل مسکونی	۱۸۱
۱۵۰	الف - شرایط ماهوی	۱۸۳
۱۵۱	ب - شرایط شکلی	۱۸۴
۱۵۲	محاصره منزل و ممنوعیت رفت و آمد	۱۸۴
گفتار دوم: شنودهای تلفنی		۱۸۵
۱۵۳	کنترل مکالمات تلفنی	۱۸۵
۱۵۴	تکلیف بر افشای سر	۱۸۶
فصل چهارم: بازجویی از متهم و اخذ تامین		۱۸۹
۱۵۵	کلیات	۱۸۹
گفتار یکم: احضار و جلب متهم		۱۸۹
۱۵۶	احضار متهم	۱۸۹
۱۵۷	الف - علت احضار	۱۹۰

۱۵۸. ب - نتیجه عدم حضور	۱۹۱
۱۵۹. دلیل احضار	۱۹۱
۱۶۰. جلب متهم	۱۹۱
۱۶۱. جلب بدون احضار	۱۹۲
۱۶۲. کمک به متهمی که از اجرای دستور مأمور جلب، امتناع می‌ورزد	۱۹۳
۱۶۳. جلب بدون ضرورت	۱۹۴
۱۶۴. امکان بازداشت متهم مجلوب از سوی مأموران جلب	۱۹۴
۱۶۵. جلب سیار	۱۹۵
گفتار دوم: تحقیقات مقدماتی	۱۹۶
۱۶۶. کلیات	۱۹۶
۱۶۷. تأمین کیفری	۱۹۷
۱۶۸. اجباری بودن قرار تأمین	۱۹۷
۱۶۹. لغو اجبار قبول وثیقه به جای کفالت	۱۹۸
۱۷۰. تشخیص اعتبار کفیل با قاضی است	۱۹۹
۱۷۱. معرفی متهم به اراده کفیل و یا وثیقه گذار	۲۰۰
۱۷۲. ممنوعیت خروج از کشور	۲۰۱
 فصل پنجم: شهادت	۲۰۳
۱۷۳. کلیات	۲۰۳
۱۷۴. جلب شاهد	۲۰۳
 فصل ششم: مرور زمان	۲۰۵
۱۷۵. تعریف و کلیات	۲۰۵
۱۷۶. پیش‌بینی مرور زمان در قانون جدید	۲۰۶
 باب دوم: کیفیت محاکمه	۲۰۹
۱۷۷. مقدمه	۲۰۹
 فصل یکم: اقدامات قاضی پس از ختم تحقیقات	۲۱۱
گفتار یکم: رأی بدون محاکمه	۲۱۲
۱۷۹. بر مبنای بند الف ماده ۱۷۷ قانون جدید، چنانچه اتهامی متوجه متهم نیست و	

یا عمل انتسابی به وی جرم نمی‌باشد.....	۲۱۲
گفتار دوم: محاکمه بدون تعیین وقت.....	۲۱۲
۱۸۰. بر مبنای ماده فوق الذکر چنانچه اصحاب دعوا حاضر باشند و درخواست مهلت نکنند و یا دادگاه استمهال را موجه تشخیص ندهد.....	۲۱۲
۱۸۱. رد استمهال متهم.....	۲۱۴
گفتار سوم: تعیین وقت دادرسی.....	۲۱۴
۱۸۲. ضرورت تعیین وقت دادرسی.....	۲۱۴
۱۸۳. جلب برای دادرسی.....	۲۱۵
۱۸۴. قطعی بودن قرار رد درخواست تخفیف و یا تبدیل تامین.....	۲۱۶
۱۸۵. ابلاغ کیفرخواست.....	۲۱۶
۱۸۶. ترک تعقیب.....	۲۱۷
فصل دوم: وکالت در دادگاه‌ها.....	۲۱۹
گفتار یکم: وکالت در دادرسی.....	۲۱۹
۱۸۷. ضرورت حضور وکیل.....	۲۱۹
۱۸۸. مقررات قانون جدید در ارتباط با وکالت.....	۲۲۰
۱۸۹. عدم ضرورت ابلاغ وقت دادرسی به متهم.....	۲۲۲
گفتار دوم: وکالت در تحقیقات مقدماتی.....	۲۲۳
۱۹۰. کلیات.....	۲۲۳
۱۹۱. محرومیت شاکی از درخواست وکیل مدافع.....	۲۲۵
فصل سوم: ترتیب رسیدگی و صدور رأی.....	۲۲۷
گفتار یکم: علنی بودن دادرسی.....	۲۲۷
۱۹۲. کلیات.....	۲۲۷
۱۹۳. مقررات حقوق بشر در خصوص علنی بودن.....	۲۲۸
۱۹۴. مقررات قانون آیین دادرسی جدید.....	۲۲۹
گفتار دوم: ترتیب رسیدگی.....	۲۲۹
۱۹۵. چگونگی اطلاع متهم از محتویات پرونده.....	۲۲۹
۱۹۶. مقایسه‌ای میان اطلاع شاکی و متهم از محتویات پرونده.....	۲۳۰
۱۹۷. بازداشت شاهد.....	۲۳۱

۲۳۲	۱۹۸. تشریفات رسیدگی
۲۳۳	۱۹۹. ارزش بیش از حد نهادن به اقرار
۲۳۴	۲۰۰. نکته‌ای درباره ترتیب مواد این قانون
۲۳۴	گفتار سوّم: مهلت برای انشای رأی
۲۳۴	۲۰۱. طرح مسأله
۲۳۵	۲۰۲. مهلت برای صدور احکام حقوقی
۲۳۶	۲۰۳. مهلت برای صدور احکام کیفری
۲۳۶	۲۰۴. دلیل نخست این ناسازگاری
۲۳۷	۲۰۵. دلیل دوّم
۲۳۸	۲۰۶. دلیل سوّم
۲۳۹	۲۰۷. نتیجه و پیشنهاد
۲۴۱	فصل چهارم: رأی غیابی
۲۴۱	۲۰۸. تعریف و کلیات
۲۴۲	۲۰۹. آثار و خواهی
۲۴۳	۲۱۰. ابلاغ رأی غیابی
۲۴۵	فصل پنجم: رسیدگی به جرایم اطفال
۲۴۵	۲۱۱. ویژگی‌های رسیدگی به بزهکاری کودکان و نوجوانان
۲۴۶	۲۱۲. اصول کلی حاکم بر رسیدگی به بزهکاری اطفال
۲۴۷	۲۱۳. رسیدگی به جرایم اطفال در قانون جدید
۲۴۸	۲۱۴. تعریف طفل
۲۵۱	باب سوّم: تجدیدنظر احکام
۲۵۱	۲۱۵. مقدمه و کلیات
۲۵۲	۲۱۶. عناوین تجدیدنظر خواهی
۲۵۳	۲۱۷. قطعی بودن احکام
۲۵۴	۲۱۸. شمارش احکام قطعی
۲۵۴	۲۱۹. تجدیدنظر خواهی بر مبنای مجازات قانونی
۲۵۴	۲۲۰. تشدید کیفر در دادگاه تجدیدنظر

باب چهارم: اعاده دادرسی.....	۲۵۷
۲۲۱. کلیات.....	۲۵۷
۲۲۲. موارد اعاده دادرسی.....	۲۵۷
۲۲۳. افرادی که حق اعاده دادرسی دارند.....	۲۵۷
۲۲۴. مرجع پذیرش تقاضای اعاده دادرسی.....	۲۵۸
۲۲۵. اعاده دادرسی به ضرر محکوم علیه کیفری.....	۲۵۹
باب پنجم: اجرای احکام.....	۲۶۱
۲۲۶. کلیات.....	۲۶۱
۲۲۷. نظریه کلی.....	۲۶۲
بخش سوم: اعتراض بر احکام	
۲۲۸. مقدمه.....	۲۶۵
فصل یکم: کلیات.....	۲۶۷
۲۲۹. سابقه تاریخی.....	۲۶۷
۲۳۰. تجدیدنظر خواهی در جمهوری اسلامی ایران.....	۲۶۸
فصل دوم: طرق عادی اعتراض بر احکام.....	۲۶۹
۲۳۱. تقسیم بندی.....	۲۶۹
گفتار یکم: واخواهی.....	۲۶۹
۲۳۲. تعریف و کلیات.....	۲۶۹
۲۳۳. آثار واخواهی.....	۲۷۰
۲۳۴. مواردی که صدور حکم غیابی جایز نیست.....	۲۷۲
۲۳۵. واخواهی از احکام مواد مخدر.....	۲۷۲
گفتار دوم: پژوهش خواهی.....	۲۷۳
۲۳۶. کلیات.....	۲۷۳
۲۳۷. آثار پژوهش خواهی.....	۲۷۳
۲۳۸. پژوهش خواهی در جمهوری اسلامی ایران.....	۲۷۵

۲۷۷	فصل سوّم: طرق فوق‌العاده اعتراض بر احکام
۲۷۷	۲۳۹. تقسیم بندی
۲۷۷	گفتار یکم: فرجام‌خواهی
۲۷۷	۲۴۰. کلیات
۲۷۸	گفتار دوّم: اعاده دادرسی
۲۷۸	۲۴۱. کلیات
۲۷۹	۲۴۲. ویژگی‌های اعاده دادرسی
۲۸۱	۲۴۳. مرجع اعاده دادرسی
۲۸۱	۲۴۴. اشخاصی که حق درخواست اعاده دادرسی دارند
۲۸۱	۲۴۵. احکام مواد مخدّر و اعاده دادرسی
۲۸۳	فصل چهارم: تجدیدنظر خواهی
۲۸۳	۲۴۶. مقدمه
۲۸۴	۲۴۷. ماهیت حقوقی تجدیدنظر
۲۸۴	۲۴۸. سابقه تاریخی تجدیدنظر خواهی
۲۸۶	۲۴۹. انواع تجدیدنظر
۲۸۶	گفتار یکم: تجدیدنظر عام
۲۸۶	۲۵۰. مستند قانونی
۲۸۶	۲۵۱. معنای تجدیدنظر عام
۲۸۷	۲۵۲. موارد تجدیدنظر خواهی عام
۲۸۹	۲۵۳. تشریفات رسیدگی در تجدیدنظر خواهی عام
۲۹۰	۲۵۴. احکام مواد مخدّر و تجدیدنظر عام
۲۹۱	گفتار دوّم: تجدیدنظر خاص
۲۹۱	۲۵۵. کلیات
۲۹۱	۲۵۶. اصل قطعیت احکام
۲۹۲	۲۵۷. احکام تجدید نظریذیر
۲۹۲	۲۵۸. جهات تجدیدنظر خواهی
۲۹۳	۲۵۹. نتایج حکم قانونگذار درباره جهات تجدیدنظر
۲۹۴	۲۶۰. جهات دیگر تجدیدنظر خواهی
۲۹۵	۲۶۱. مرجع تجدیدنظر
۲۹۵	۲۶۲. تجدیدنظر خاص و احکام مواد مخدّر

۲۹۶	گفتار سوم: تجدیدنظر خواهی از طریق دادستان کل کشور
۲۹۶	۲۶۳. سابقه تاریخی
۲۹۷	۲۶۴. شرایط تجدیدنظر خواهی از طریق دادستان کل
۲۹۷	۲۶۵. نحوه اقدام دادستان کل
۲۹۸	۲۶۶. احکام مواد مخدر و تجدیدنظر خواهی از طریق دادستان کل

۲۹۹	فصل پنجم: تجدیدنظر احکام مواد مخدر
۲۹۹	۲۶۷. مقدمه و کلیات
۳۰۰	۲۶۸. مبنای قانونی قطعیت آرای مواد مخدر
۳۰۰	گفتار یکم: قرارهای کیفری
۳۰۰	۲۶۹. انواع قرارها
۳۰۲	گفتار دوم: احکام
۳۰۲	۲۷۰. ماده ۳۲ و تفسیر قضایی آن
۳۰۳	۲۷۱. نکات ضروری
۳۰۴	۲۷۲. ارزش انسانی - اجتماعی ماده ۳۲ قانون مبارزه با مواد مخدر
۳۰۴	۲۷۳. سخنی کوتاه در ارتباط با آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با مواد مخدر

بخش چهارم: اندیشه های گوناگون

۳۰۹	۲۷۴. مقدمه و تقسیم بندی
۳۱۱	فصل یکم: استقلال قضات در نظام حقوقی ایران
۳۱۱	۲۷۵. تقسیم بندی
۳۱۱	گفتار یکم: مفهوم استقلال قضایی
۳۱۱	۲۷۶. تعریف
۳۱۲	۲۷۷. قلمرو استقلال قضایی
۳۱۲	۲۷۸. استقلال در برابر قوه مجریه
۳۱۲	۲۷۹. استقلال در برابر مسؤولان قوه قضاییه
۳۱۳	۲۸۰. استقلال در برابر افکار عمومی
۳۱۳	۲۸۱. استقلال در برابر سایر مقامات
۳۱۳	۲۸۲. آزاد اندیشی قاضی
۳۱۴	۲۸۳. استقلال روحی و مادی

- گفتار دوم: ضمانت اجراهای استقلال قضایی ۳۱۴
۲۸۴. مصونیت قضایی ۳۱۴
۲۸۵. الف - مصونیت شغلی ۳۱۴
۲۸۶. ب - مصونیت از تعقیب کیفری ۳۱۵
- گفتار سوم: علل تهدید کننده استقلال قضایی ۳۱۶
۲۸۷. طبقه بندی ۳۱۶
۲۸۸. الف - جهات قانونی ۳۱۶
۲۸۹. تأملاتی در قانون مذکور ۳۱۸
۲۹۰. نمونه‌های دیگر از قوانین تهدید کننده استقلال قضایی ۳۱۹
۲۹۱. ب - جهات عملی ۳۲۰
۲۹۲. پیشنهادها ۳۲۱
- فصل دوم: حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه ۳۲۳
۲۹۳. مقدمه ۳۲۳
۲۹۴. حق دادخواهی ۳۲۳
۲۹۵. حق دفاع ۳۲۳
۲۹۶. متون و مستندات ۳۲۳
۲۹۷. شرایط بهره‌مندی ۳۲۵
۲۹۸. الف - اصول مربوط به سازمان و نیروی انسانی ۳۲۵
۲۹۹. صلاحیت نسبی ۳۲۶
۳۰۰. ب - اصول مربوط به تضمین حقوق اصحاب دعو ۳۲۷
۳۰۱. پیشنهاد ۳۲۸
۳۰۲. نمونه‌هایی از موارد ابهام و اجمال قوانین در خصوص عادلانه بودن
دادرسی‌ها ۳۲۸
- فصل سوم: توجیه و نقد یک رویه قضایی (سرقت غیر قابل گذشت) ۳۳۱
۳۰۳. مقدمه ۳۳۱
- گفتار یکم: جرایم قابل گذشت ۳۳۲
۳۰۴. تعریف و کلیات ۳۳۲
۳۰۵. نحوه تشخیص جرایم قابل گذشت ۳۳۳

۳۰۶	الف - روش ضابطه قانونی	۳۲۴
۳۰۷	ب - روش احصای قانون	۳۲۴
۳۰۸	روش قانونگذار ایران	۳۲۵
۳۰۹	روش موجود در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران	۳۲۵
۳۱۰	حق الله و حق الناس	۳۳۶
۳۱۱	ناهماهنگی در تفسیر دو اصطلاح «حق الله» و «حق الناس»	۳۳۶
۳۱۲	تدابیر اندیشیده شده برای رفع این ناهماهنگی ها	۳۳۷
۳۱۳	مقتار دوم: سرقت و انواع آن	۳۳۹
۳۱۳	تعریف و کلیات	۳۳۹
۳۱۴	پیشینه تقنین درباره سرقت	۳۴۰
۳۱۵	درسی از تاریخ، رویکردی جدید	۳۴۱
۳۱۶	سرقت در قانون مجازات عمومی	۳۴۲
۳۱۷	تقسیم بندی	۳۴۲
۳۱۸	الف - سرقت های جنایی	۳۴۲
۳۱۹	ب - سرقت های ساده	۳۴۳
۳۲۰	سرقت قابل گذشت	۳۴۵
۳۲۱	شروع به سرقت	۳۴۵
۳۲۲	تکرار سرقت	۳۴۵
۳۲۳	نظر اجمالی در خصوص مقررات عرفی سرقت	۳۴۵
۳۲۴	سرقت در قوانین پس از انقلاب اسلامی	۳۴۶
۳۲۵	کلیات	۳۴۶
۳۲۶	تقسیم بندی سرقت در قوانین پس از انقلاب اسلامی	۳۴۶
۳۲۷	الف - سرقت مستلزم حد - ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ...	۳۴۷
۳۲۸	توضیح و بررسی شرایط سرقت مستلزم حد	۳۴۷
۳۲۹	شرایط اجرای حد	۳۴۹
۳۳۰	حد سرقت	۳۵۱
۳۳۱	بررسی انتقادی مقررات مربوط به سرقت مستلزم حد	۳۵۱
۳۳۲	امکان گریز از حد با ادعای جهل به قانون	۳۵۱
۳۳۳	ایراد در نگارش شرط مربوط به حرز	۳۵۲
۳۳۴	گریزگاهی برای سارقین حرفه ای	۳۵۳
۳۳۵	وجود مقررات تکراری و غیر لازم	۳۵۳

۳۳۶	ابهام در قانونگذاری.....	۳۵۴
۳۳۷	مراد از سال قحطی.....	۳۵۴
۳۳۸	ب - سرقت مستلزم تعزیر.....	۳۵۵
۳۵۵	گفتار سوّم: قابل گذشت بودن یا نبودن سرقت در قوانین موضوعه.....	۳۵۵
۳۳۹	مقدمه و کلیات.....	۳۵۵
۳۴۰	قوانین موضوعه مربوط به مساله.....	۳۵۵
۳۴۱	نتیجه.....	۳۵۷
۳۵۹	گفتار چهارم: نقد رأی وحدت رویه.....	۳۵۹
۳۴۲	سرقت غیر قابل گذشت.....	۳۵۹
۳۴۳	نکات مستفاد از رأی وحدت رویه.....	۳۶۰
۳۴۴	بررسی انتقادی رأی وحدت رویه.....	۳۶۰
۳۴۵	نتیجه.....	۳۶۲
۳۶۵	فصل چهارم: نظام حقوقی و واقعیت‌های موجود.....	۳۶۵
۳۴۶	مقدمه.....	۳۶۵
۳۴۷	ضامن قانونگرایی و اجرای قانون بوسیله آحاد مردم.....	۳۶۵
۳۴۸	لزوم هماهنگی قوانین با مقتضیات زمان و مکان.....	۳۶۶
۳۴۹	قوانینی که خاستگاه اجتماعی مستحکمی ندارد.....	۳۶۸
۳۵۰	قانون چک.....	۳۶۸
۳۵۱	قانون عملیات بانکی بدون ربا.....	۳۶۹
۳۵۲	مجازات ربا.....	۳۷۰
۳۵۳	قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره‌ها.....	۳۷۰
۳۵۴	نتیجه.....	۳۷۱
۳۵۵	اختیارات قاضی و نظام انتصاب قضات بر اساس قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب.....	۳۷۱
۳۵۶	اشاره به شرایط انتخاب قاضی.....	۳۷۲
۳۵۷	لزوم توجه بیشتر به کارآموزی قضایی.....	۳۷۳
۳۵۸	اشاره به امنیت قضایی به عنوان لازمه صدور رأی عادلانه.....	۳۷۳
۳۵۹	بررسی میزان مطابقت نظام دادرسی قضایی با قانون اساسی.....	۳۷۴
۳۶۰	قانون تعزیرات حکومتی مصوّب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام.....	۳۷۴

۳۶۱	قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی.....	۳۷۵
۳۶۲	قوانین افزایش دهنده صلاحیت دادگاه‌های نظامی.....	۳۷۵
۳۶۳	دادگاه اختصاصی.....	۳۷۶
۳۶۴	نقش نظام دادرسی در فراهم آوردن موجبات احقاق حق در محاکم.....	۳۷۶
۳۶۵	موجبات تفسیر به رأی بوسیله قاضی.....	۳۷۶
۳۷۹	فصل پنجم: پژوهش کیفری.....	۳۷۹
۳۷۹	۳۶۶. تقسیم بندی.....	۳۷۹
۳۷۹	گفتار یکم: پژوهش خواهی از لحاظ نظری.....	۳۷۹
۳۷۹	۳۶۷. کلیات.....	۳۷۹
۳۸۰	۳۶۸. پژوهش به عنوان تضمین دفاع.....	۳۸۰
۳۸۱	۳۶۹. تأثیر سنت‌های کهن در پذیرش پژوهش کیفری.....	۳۸۱
۳۸۲	۳۷۰. مقایسه رسیدگی پژوهشی با اعاده دادرسی.....	۳۸۲
۳۸۲	۳۷۱. نظریات بعضی از علمای حقوق.....	۳۸۲
۳۸۳	۳۷۲. نظریه ویست (wiest).....	۳۸۳
۳۸۳	۳۷۳. نظریه فوستن هلی (Faustin Helie).....	۳۸۳
۳۸۴	۳۷۴. دیدگاه آدلف پرنس (Adolphe Prins).....	۳۸۴
۳۸۵	۳۷۵. عقیده لوکنت پرتالیس (Le Conte Portalis).....	۳۸۵
۳۸۵	۳۷۶. ارزیابی عقیده لوکنت پرتالیس.....	۳۸۵
۳۸۶	۳۷۷. نظریه حقوقدانان آلمانی.....	۳۸۶
۳۸۷	۳۷۸. ارزش رسیدگی پژوهشی از نقطه نظر اجتماع.....	۳۸۷
۳۸۸	۳۷۹. تجارب قضات مرجع پژوهش.....	۳۸۸
۳۸۸	۳۸۰. پژوهش خواهی دادسرا.....	۳۸۸
۳۸۹	گفتار دوم: پژوهش خواهی از لحاظ عملی.....	۳۸۹
۳۸۹	۳۸۱. کلیات.....	۳۸۹
۳۸۹	۳۸۲. سیستم دلایل قانونی.....	۳۸۹
۳۹۱	۳۸۳. از سرگرفتن محاکمه در مرحله پژوهش.....	۳۹۱
۳۹۲	۳۸۴. روش متداول در دادرسی‌های پژوهشی.....	۳۹۲
۳۹۳	۳۸۵. پژوهش تبعی.....	۳۹۳
۳۹۳	۳۸۶. محل وقوع دادگاه مرجع پژوهش.....	۳۹۳
۳۹۴	۳۸۷. پژوهش موجبی برای دقت بیشتر.....	۳۹۴

۳۸۸	دلایل جدید در مرحله پژوهش.....	۳۹۴
۳۸۹	تجربه متهم.....	۳۹۴
۳۹۵	فصل ششم: اثبات جرایم منافی عفت از نگاه دیگر.....	۳۹۵
۳۹۵	۳۹۰. مقدمه.....	۳۹۵
۳۹۷	گفتار یکم: جرایم منافی عفت.....	۳۹۷
۳۹۷	۳۹۱. تعریف.....	۳۹۷
۳۹۹	۳۹۲. تقسیم بندی.....	۳۹۹
۴۰۰	بند یک - جرایم منافی عفت مستلزم حد.....	۴۰۰
۴۰۰	۳۹۳. احصای جرایم منافی عفت.....	۴۰۰
۴۰۰	۳۹۴. الف - زنا.....	۴۰۰
۴۰۱	۳۹۵. ب - لواط.....	۴۰۱
۴۰۱	۳۹۶. ج - مساحقه.....	۴۰۱
۴۰۱	۳۹۷. د - قوادی.....	۴۰۱
۴۰۱	۳۹۸. ه - قذف.....	۴۰۱
۴۰۲	بند دو - جرایم مستلزم تعزیر و مجازات‌های بازدارنده.....	۴۰۲
۴۰۲	۳۹۹. احصای قانونی.....	۴۰۲
۴۰۵	فهرست جرایم منافی عفت در قانون مجازات اسلامی.....	۴۰۵
۴۰۹	گفتار دوم: ادله اثبات دعوی جزایی.....	۴۰۹
۴۰۹	۴۰۰. کلیات و تقسیم بندی.....	۴۰۹
۴۰۹	۴۰۱. الف - دوره باستان.....	۴۰۹
۴۱۰	۴۰۲. ب - دوره دلایل مذهبی.....	۴۱۰
۴۱۰	۴۰۳. ج - دوره دلایل قانونی.....	۴۱۰
۴۱۱	۴۰۴. د - دوره دلایل معنوی.....	۴۱۱
۴۱۲	۴۰۵. ه - دوره دلایل علمی.....	۴۱۲
۴۱۳	۴۰۶. تلفیق دلایل قانونی، معنوی، علمی.....	۴۱۳
۴۱۴	گفتار سوم: ادله خاص اثبات جرایم منافی عفت.....	۴۱۴
۴۱۴	۴۰۷. کلیات.....	۴۱۴
۴۱۵	بند الف - ادله اثبات جرایم حدی.....	۴۱۵
۴۱۵	۴۰۸. انواع جرایم حدی.....	۴۱۵
۴۱۵	۴۰۹. نقد و بررسی دلایل اثبات جرایم.....	۴۱۵

۴۱۰	الف - اقرار	۴۱۶
۴۱۱	ب - شهادت	۴۱۶
۴۱۲	ج - علم قاضی	۴۱۸
۴۱۸	بند ب - جرایم مستلزم مجازات تعزیری و بازدارنده	۴۱۸
۴۱۳	طرح مسئله	۴۱۸
۴۱۴	گذری بر رویه‌های قضایی	۴۱۸
۴۱۵	نتیجه	۴۲۱
۴۲۳	گفتار چهارم: درنگی در یک نقد	۴۲۳
۴۱۶	طرح مسئله	۴۲۳
۴۱۷	تقسیم‌بندی	۴۲۶
۴۲۷	بند الف - مصادیق جرایم منافی عفت	۴۲۷
۴۱۸	ایراد اول	۴۲۷
۴۲۹	بند ب - نموداری از جرایم منافی عفت در قانون	۴۲۹
۴۱۹	ایراد دوم	۴۲۹
۴۲۹	بند ج - دلایل قانونی	۴۲۹
۴۲۰	ایراد سوم	۴۲۹
۴۳۱	بند د - شهادت شاهدان	۴۳۱
۴۲۱	ایراد چهارم	۴۳۱
۴۳۴	بند ه - علم قاضی	۴۳۴
۴۲۲	ایراد پنجم	۴۳۴
۴۳۴	بند و - دلایل علمی و معنوی	۴۳۴
۴۲۳	ایراد ششم	۴۳۴
۴۳۵	بند ز - تجاوز به عفت	۴۳۵
۴۲۴	ایراد هفتم	۴۳۵
۴۲۵	نتیجه	۴۳۵
۴۳۷	فصل هفتم: جرایم مشابه و تشدید مجازات نقد و توجیه یک رویه قضایی ..	۴۳۷
۴۲۶	مقدمه	۴۳۷
۴۳۸	گفتار یکم: مفهوم تشدید مجازات	۴۳۸
۴۲۷	سابقه تاریخی	۴۳۸
۴۲۸	مجازات‌های ثابت	۴۳۸

۴۲۹. تعیین حداقل و حداکثر برای مجازات‌ها ۴۳۹
۴۳۰. کیفیات مشدده و کیفیات مخففه ۴۴۰
- گفتار دوم: نحوه تشدید مجازات ۴۴۱
۴۳۱. جهات تشدید ۴۴۱
۴۳۲. چگونگی تشدید کیفر در تعدد جرم ۴۴۲
۴۳۳. مقررات قانون مجازات اسلامی ۴۴۳
- گفتار سوم: تحلیلی علمی رأی دیوان عالی کشور ۴۴۴
۴۳۴. آرای متهاافت ۴۴۴
۴۳۵. نظریه نماینده دادستان محترم کل کشور در مقدمه رأی وحدت رویه شماره ۶۰۸ ۴۴۶
۴۳۶. چک بلامحل ۴۴۶
۴۳۷. مجازات چک بلامحل ۴۴۷
۴۳۸. چک وعده‌دار ۴۴۷
۴۳۹. مجازات صدور چک وعده‌دار ۴۴۷
۴۴۰. جهات مشابهت و مغایرت چک بلامحل و چک وعده‌دار ۴۴۸
۴۴۱. جرایم مشابه ۴۴۸
۴۴۲. صدور چک از حساب بسته ۴۴۹
۴۴۳. تعیین مجازات اشد و تشدید مجازات ۴۴۹
۴۴۴. ارزیابی رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور ۴۴۹
۴۴۵. توجیه رویه قضایی ۴۵۰
- مشکلات نظری قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران: یک گفتگو ۴۵۱
- فهرست منابع و مآخذ فارسی ۴۶۳
- کتاب‌ها ۴۶۳
- اسناد بین‌المللی ۴۶۷
- مجموعه‌ها ۴۶۹
- پایان نامه‌ها ۴۷۱
- مقاله‌ها ۴۷۳
- فهرست منابع خارجی ۴۷۷

به نام خدا

مقدمه چاپ سوّم

از انتشار چاپ نخستین جلد چهارم آیین دادرسی کیفری «اندیشه‌ها» سه سال گذشت. در این مدّت کوتاه، قوانین و مقرّرات مختلف و متعدّدی تصویب شد. دگرگونی‌هایی در روش‌های آیین دادرسی کیفری، اصول تشکیلات قضایی و سازمان دادگاه‌ها به وجود آمد.

نقش محوری اندیشه‌های ارایه شده در کتاب حاضر، در تحقق دگرگونی‌های به وجود آمده، آشکارا دیده می‌شود.

قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوّب ۱۳۸۱/۷/۲۸^۱، از آن جمله است. مقرّرات قانون مذکور چهار محور اساسی دارد:

- ۱ - احیای دادرسی.
- ۲ - پذیرش تعدّد قاضی در رسیدگی به جرایم مهم.
- ۳ - قطعیت بخشیدن به احکام.
- ۴ - تخصصی کردن مراجع رسیدگی.

۱ - برای اطلاع از نارسایی‌های قانون مذکور، رجوع کنید به: امیری، حسین؛ نقد و بررسی قانون اصلاح مواذی از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوّب ۱۳۸۱.
پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز، تهران ۱۳۸۳.

۱ - احیای دادرسی - تشکیل مجدد دادرسی و تفکیک نهاد تعقیب، از نهاد دادرسی، یک ضرورت اجتماعی - قضایی شده بود. جامعه مدنی ایران نمی‌پذیرفت که این دو نهاد یکی باشد^۱ و وظایف هر دو توسط یک دادرس انجام گیرد. وظایفی که هر کدام به نوبه خود مهم بوده و با یکدیگر تفاوت اساسی دارند. هنوز از تصویب و اجرای قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و انحلال دادرسی دیری نگذشته بود که ناتوانی روش‌های ارایه شده در آن آشکار شد. به گونه‌ای که نارسایی‌ها در محافل علمی - قضایی مورد گفتگو قرار گرفت و تا آنجا پیش رفت که مراجعان به دادگستری در عدم تحقق اجرای عدالت قضایی سخن‌ها گفتند.

در کتاب حاضر، نوشتارهای زیادی درباره نارسایی‌های قانون فوق‌الذکر، مشکلات عملی به وجود آمده از ناسازگاری‌های ناشی از یکی شدن نهاد تعقیب و دادرسی، در تحقق عدالت کیفری، نگارش یافته است.

نوشتارهایی تحت عنوان: یک سی و هشتم، قاضی بدون اختیار، اندیشه‌های بنیادی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، فردگرایی در قانون نویسی، دورنمای دادگستری در دو چهره و سیری در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری از لحاظ پیشبرد حقوق بشر؛ نمونه‌هایی از این نوع نوشته‌ها است.

اثر غیر مستقیم و زود هنگام نوشته‌ها، پرده برداشتن، نمایان کردن و شفاف نمودن نارسایی‌های به وجود آمده در سیستم دادرسی‌های کیفری بود. اثر مستقیم و عملی آن را می‌توان پشت کردن قانونگذار به تفکرات حاکم بر قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب دانست.

بالاخره قانونگذار با نسخ صریح و یا ضمنی بخش‌های مهمی از مقررات قانون مزبور و یا اصلاح موادی از آن و رویکرد به عمر تفکر ناصحیح حاکم بر این قانون پایان داد.

۱ - محاکمه علنی شهردار تهران، و پخش آن از رسانه‌های گروهی، شهروندان عادی را نیز متوجه نادرست بودن روش دادرسی کیفری کرد.

هر آینه در لزوم تشکیل مجدد دادسرا تردیدی باقی نماند. مسئولان بلند پایه قوه قضاییه بالاخره دریافتند که برای بهبود روش‌های جزایی و گسترش هر چه بیشتر محاکمه عادلانه، تشکیل مجدد دادسرا ضرورت دارد. بنابراین موانع موجود را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته و دادسرا احیا شد.

در کمال تعجب و ناباوری این مهم به وسیله آنانی صورت گرفت که خود از مخالفان سرسخت دادسرا بودند و اعتقادی به آن نداشتند تنها تغییر چهره داده بودند.^۱

اساس فکر درست بود، می‌بایست دادسرا احیا می‌شد. اما چگونه؟ و بر مبنای چه اصولی؟ و با کدام نیروی انسانی؟ عملکردها نشان داد که ضرورت تشکیل دادسرا را پذیرفتیم. اما ندانستیم چگونه باید آن را تشکیل داد.^۲

در دنیای متحول امروزی، در دنیایی که قوانین و مقررات کشورها همیشه تغییر می‌یابد و با مقتضیات زمان و مکان تطبیق می‌گردد، در جهانی که لحظه به لحظه اندیشه‌ها عوض می‌شود و راه تکامل می‌پیماید و روش‌های جدید و بهتری به وجود می‌آید؛ بدون تردید، دادرسی‌های کیفری نیز نمی‌تواند از این دگرگونی‌ها و تحولات دور بماند. در این سیر تحولی، به دنبال اصول و قواعد قرن‌ها پیش گام برداشتن و برآن تکیه کردن و مباحثات نمودن، قوانین کهنه و قدیمی را بار دیگر بهمان شکل تصویب کردن و اندیشه‌های کهن را در مصوبات جدید گنجانیدن تاج گلی بر سر نهادن نیست. زمان آن گذشته است که بتوان پذیرفت، در یک سیستم قضایی پیشرفته و سالم، فردی به عنوان «دادستان» و «نماینده جامعه» حضور داشته باشد اما جامعه قضات در انتخاب او نقشی نداشته باشند. درست است که

۱ - اعضای ستاد احیا دادسرا را بنگرید تا صحت گفتار فوق آشکار شود.

۲ - آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضاییه در انتقاد از دادسراها چنین گفته‌اند: از برخی دادسراها گزارش رسیده که دادیارها و دادستان‌ها به نیروی امنیتی اجازه پرونده سازی می‌دهند و بعد پرونده را به دادگاه تحویل می‌دهند. این خلاف فقه و قانون است. در برخی دادسراها مهری روی پرونده‌ها زده می‌شود و پرونده، بجای رسیدگی در دادسرا به ضابطین و یا نیروهای امنیتی ارجاع داده می‌شود. اگر قرار است در دادسرا تحقیق صورت نگیرد پس چرا دادسراها را احیا کردیم؟ این مهرها را بشکنید.

روزنامه همشهری مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۵.

دادستان‌های کشور ما همگی برازنده بوده و علاقمند به حسن اجرای قوانین هستند. اما به هر حال جای این پرسش باقی است که این چه نماینده جامعه‌ای است که مردم از انتخاب او بی‌خبرند.

اختیار مطلق دادستان در پذیرش و یا ردّ تصمیم‌ها و عملکردهای معاونان دادسرا و دادیاران را نمی‌توان به راحتی پذیرفت^۱. این‌که در بعضی موارد بازپرس نیز مکلف باشند از نظر دادستان تبعیت کنند^۲ اشتباه محض می‌باشد؛ زیرا، بازپرس قاضی مستقلی است و نباید استقلال او را متزلزل کرد.

چند صد نفر معاونان دادسرا و دادیاران را تابع نظر فردی قرار دادن و او را دادستان نامیدن نابخشودنی است. دادستانی که خود منصوب مدیران بلند پایه قوه قضاییه است و در برابر آنان استقلالی ندارد؛ نمی‌تواند آن قدرت را داشته باشد که حفظ حقوق عامه، نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب بزهکاران را به عهده گیرد و بی‌طرفانه آن را اعمال نماید. این روش توجیه‌پذیر نیست.

دادستان باید توسط جامعه قضات انتخاب شود تا بتواند وظیفه نمایندگی جامعه را به درستی انجام دهد. فردی که منصوب مقامات عالیه است و در انتخاب او جامعه قضات نقشی ندارند چگونه می‌تواند وکیل جماعت و نماینده جامعه باشد؟ آیا این روش از مصادیق وکیل بی‌موکل نیست؟

گفتنی است یکی کردن قاضی تحقیق و قاضی تعقیب خطا است. اختیار بازپرس را در بسیاری از جرایم به دادستان دادن خطای نابخشودنی دیگری است^۳.

۱ - طبق بند ۳ ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب: «کلیه قرارهای دادیار بایستی با موافقت دادستان باشد و در صورت اختلاف نظر بین دادستان و دادیار، نظر دادستان متبع خواهد بود.»

۲ - طبق بند ۳ ماده ۳ مزبور: «... در صورتی که بازپرس رأساً قرار بازداشت موقت صادر کرده باشد مکلف است ظرف ۲۴ ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد دادستان ارسال نماید. هرگاه دادستان، با قرار بازداشت به عمل آمده موافق نباشد، نظر دادستان متبع است...»

نظر به این‌که دادستان حافظ حقوق و آزادی‌های آحاد جامعه نیز می‌باشد، به نظر می‌رسد مفاد بند ۳ ماده ۳ در خصوص لزوم موافقت دادستان با قرار بازداشت صادره از طرف بازپرس، به نحو بهتری حقوق و آزادی‌های افراد جامعه را حفظ و حراست می‌نماید.

۳ - برابر بند ۳ ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب: «... در جرایمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان نیست دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر می‌باشد.»

۲ - پذیرش تعدّد قاضی... محور دوم قانون مصوّب ۱۳۸۱/۸/۲۷، قبول روش تعدّد قاضی در رسیدگی به بعضی از جرایم مهم است. رسیدگی به جرایم مهم توسط دادرسان کم تجربه و بطور انفرادی، تبعات منفی فراوانی به همراه داشت. این روش جامعه را نگران کرده بود و امنیت قضایی شهروندان را متزلزل می کرد. قانون جدید، رسیدگی به جرایم مهم را، حسب مورد، به سه یا پنج قاضی محوّل کرد و بدین وسیله دادگاه کیفری استان به مراجع قضایی کشور اضافه شد. طبق تبصره یک ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب:

رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائاً در دادگاه تجدید نظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور «دادگاه کیفری استان» نامیده می شود. دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب یا حبس دایم باشد از پنج نفر (رئیس و چهار مستشار یا دادرس علی البدل دادگاه تجدید نظر استان) و برای رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو و جرایم مطبوعاتی و سیاسی باشد از سه نفر (رئیس و دو مستشار یا دادرس علی البدل دادگاه تجدید نظر استان) تشکیل می شود. تشکیلات، ترتیب رسیدگی، کیفیت محاکمه و صدور رأی این دادگاه تا تصویب قانون آیین دادرسی مناسب مطابق مقررات این قانون و قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوّب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی خواهد بود. دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی با حضور هیأت منصفه تشکیل خواهد شد.

این اقدام را می توان گامی بسیار مهم، حساس و اساسی در راستای اجرای عدالت کیفری و اجتماعی دانست. روشی که بارها در دوره های مختلف درس آیین دادرسی کیفری از اهمیت و ارزشمند بودن آن بحث ها به میان آمده و مورد تأکید قرار گرفته است^۱. معایب روش وحدت قاضی در جهان امروزی بر کسی پوشیده

۱ - آخوندی، محمود؛ جلد دوم آیین دادرسی کیفری.

نیست و مزایای روش تعدّد قاضی را نیز همگان می‌دانند.

درک نگرانی‌های جامعه، قانونگذار را بر آن داشت تا همگام با افکار عمومی، در این مورد فکری بیاندیشد و چاره‌ای کند. خوشبختانه موضوع مورد توجه قرار گرفت. از این لحاظ اقدام قوه قضاییه و مقننه قابل تحسین و تمجید می‌باشد. گام نخستین برداشته شد. امیدوارم این روش هرچه سریعتر گسترش یابد و جرایم دیگری را نیز شامل شود.

۳- تشکیل شعب تشخیص... یکی از معضلات مهم و تأمل برانگیز سیستم قضایی قبل از تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، قابل تجدید نظر شناخته شدن احکام بود، که به دفعات صورت می‌گرفت و اعتبار امر مختومه را متزلزل می‌کرد. حال آن‌که آراء دادگاه‌ها باید در مهلت و مدتی معقول قطعیّت یابد و حکم صادره از اعتبار امر مختومه بهره‌مند گردد. احکام متزلزل نمی‌تواند مبنای روابط انسان‌ها باشد.^۱

این امر مورد توجه قوه قضاییه و مقننه قرار گرفت و یکی از ویژگیهای قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، تلاش در این جهت است چراکه سومین محور اساسی قانون مورد بررسی، پایان دادن به این بلاتکلیفی‌ها است. اندیشه اساسی در تشکیل شعبه تشخیص این بود که از تجدید نظرخواهی‌های مکرر و بی مورد جلوگیری شود. فکری که در کتاب اندیشه‌ها درباره آن زیاد گفتگو شده است.

اگرچه قانون جدید می‌بایست در این راستا گام بر می‌داشت. به نظر می‌رسد پیش بینی مرجعی به عنوان شعبه تشخیص در دیوان عالی کشور، به نحو مقرر در قانون نتوانسته است به این نیاز مهم اجتماعی - قضایی پاسخ مناسب بدهد.

به ویژه شناختن اختیار برای ریاست قوه قضاییه که بتواند در آراء قطعی شعب تشخیص به بهانه خلاف بین شرع بودن مداخله کند و بدون رعایت هیچ مهلتی احکام را به گونه‌ای که بخواهد تغییر دهد^۲، درست عکس اندیشه‌ای است که

۱ - در کتاب حاضر توضیح بیشتری در این خصوص داده شده است.

۲ - طبق قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۳ اصلاحی: «..... تصمیمات شعبه تشخیص در هر صورت قطعی

می‌بایست پیاده می‌شد تا به احکام قطعیت بخشد.^۱

۴ - تخصصی کردن دادگاه‌ها. - در جهان امروزی با توجه به کثرت قوانین، مقررات و قواعد حقوقی و متنوع بودن دعاوی، این امکان وجود ندارد که یک نفر قاضی، با هر استعدادی که داشته باشد، بتواند در کلیه مسایل حقوقی، جزایی، اداری، دریایی، هوایی و غیره اشراف داشته و صاحب‌نظر باشد و بتواند در هر موردی تصمیم درست اتخاذ نماید. در نتیجه، تخصصی کردن دادگاه‌ها از مدت‌ها پیش مورد توجه قرار داشت و خیراندیشان آن را مصرانه توصیه می‌کردند. سیستم پذیرفته شده در قانون احیای دادرسی می‌تواند، به نوبه خود، در تحوّل و بهبود روش‌های دادرسی تأثیر فراوان بگذارد.

محورهای دیگر. - در تهیه قانون احیا دادرسی، اندیشه‌های دیگری نیز وجود داشته است: از جمله این که بطور ضمنی صلاحیت دادگاه‌های انقلاب محدودتر شود. قانونگذار در این راستا گام بزرگی برداشت و با صراحت هرچه تمام‌تر اعلام کرد:

رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد..... ابتدائاً در دادگاه تجدید نظر استان به عمل خواهد آمد و در این موارد دادگاه مذکور «دادگاه کیفری استان» نامیده می‌شود.....^۲

این ماده فریاد می‌زند که هر جا مجازات عمل ارتكابی اعدام و یا حبس دایم باشد متهم باید در دادگاه‌هایی محاکمه شود که با روش تعدّد قاضی تشکیل شده

→ و غیر قابل اعتراض می‌باشد. مگر آن که رئیس قوه قضاییه در هر زمانی و به هر طریقی رأی صادره را خلاف بین شرع تشخیص دهد که در این صورت جهت رسیدگی، به مرجع صالح ارجاع خواهد شد.

۱ - برای اطلاع بیشتر از مبانی تجدید نظر خواهی رئیس قوه قضاییه از آراء محاکم، رک. به نوشته آقای بابک پورقهرمانی، در مجله فقه حقوق، از انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۳، ص ۱۳۱، مراجعه شود.

۲ - تبصره یک ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، الحاقی ۱۳۸۱/۷/۲۸.

است. دیگر یک نفر قاضی، به تنهایی نتواند مجازات اعدام صادر کند.

اما دیدیم که هیئت عمومی دیوان عالی کشور، با این قانون صریح و شفاف چگونه بدرفتاری کرد^۱ و فریادهای آشکار آن را نشنید و رسیدگی به جرایم مواد مخدر مستلزم مجازات اعدام و سایر جرایم موضوع ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب را در صلاحیت دادگاههای انقلاب قرار داد. ساده‌تر بگویم تمام آرمان‌ها و آرزوها برای محدود کردن روش وحدت قاضی در رسیدگی به بسیاری از جرایم مهم از بین رفت.

در هر صورت کتاب «اندیشه‌ها» اثر خود را ظاهر کرد. قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، ارزش و اعتبار اجتماعی نیافت و به تدریج خواه صریح و خواه ضمنی قلمرو اجرایی آن محدودتر شد. قانونی که روزی ایراد از آن را جایز نمی‌دانستند و چنین عملی را نوعی گناه و یا بداندیشی می‌پنداشتند، با ایراد گیرنده آن غیر صمیمانه رفتار می‌نمودند؛ اکنون به صورتی در آمده، که تنها نامی از آن باقی مانده است.

با توجه به دگرگونی‌های صورت گرفته، می‌خواستم در چاپ سوم کتاب «اندیشه‌ها» تجدید نظر کنم و مطالب آن را با تغییرات بوجود آمده تطبیق دهم. اما به زودی دریافتم که این دگرگونی‌ها ناپایدار است و بزودی قانون آیین دادرسی کیفری جدیدی تصویب می‌شود. مقررات موجود دیری نمی‌پاید لذا دلبستگی را نشاید. امواج فکری ناموفق و گذرانی که وجود دارد با تغییر مسیر یاد از بین خواهد رفت و یا تغییر جهت خواهد داد. در چاپ حاضر کتاب «اندیشه‌ها» در متن نوشتارها تغییری ندادم؛ هرچند بعضی از مطالب کتاب با قوانین موجود تعارض دارد اما آشکارا دیده می‌شود که قانونگذار به سوی راه کارهای آرایه شده در «اندیشه‌ها» گام بر می‌دارد. به مطالب گفته شده در «اندیشه‌ها» دست نزدم تا در تاریخ باقی بماند که آیندگان بدانند برای پذیرش اصول نخستین دادرسی‌های جزایی عادلانه چه

۱ - رأی وحدت رویه شماره ۶۶۴ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۳۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور.

زحماتی کشیده شده است.

این مقدمه را تنها بدان جهت نگاشتم که تغییرات جدید را نشان دهم؛ بدون این که هر یک از موضوعات آن را در جایگاه خاص خود در کتاب قرار دهم. به علاوه چند بحث مهم و محوری جدید نیز بر متون قبلی افزودم. فکر کردم این نوشته‌ها نیز به گونه‌ای در راستای پیام‌هایی است که در «اندیشه‌ها» وجود دارد.

در پایان از زحمات جناب آقای سید عباس حسینی نیک مدیر محترم موسسه انتشارات مجد که در تجدید چاپ این کتاب زحمات فراوانی متحمل شده‌اند صمیمانه تشکر می‌کنم.

دکتر محمود آخوندی

تهران - تابستان ۱۳۸۴

لطفت به کدام ذره پیوست دمی
کان ذره به از هزار خورشید نشد
کلیات شمس تبریزی

به نام خداوند بخشنده مهربان

مقدمه چاپ دوم

وعدۀ داده بودم جلد چهارم از دورۀ «آیین دادرسی کیفری» را درباره راه‌های اثبات دعوای کیفری بنگارم. اما اینک طرحی نو در افکنده‌ام و ناچار راهی دیگر در پیش گرفته‌ام. تغییر شتاب آلود قوانین جزایی و گاهی حاکمیت یافتن روش دلایل قانونی در امور کیفری و نادیده انگاشتن روش دلایل معنوی در قلمرو این امور - که ثمرات تلخی به بار آورده و به ناهماهنگی قوانین با مقتضیات زمان و نیازهای مردمان انجامیده^۱ - مرا بر آن داشت که نخست مبانی و دور نمایه نظام جدید کیفری - قضایی را بکاوم و پس از آشنایی با آن اندیشه‌ها و خاستگاه‌ها، در مطالعه‌ای

۱ - برخی از راه‌های اثبات دعوای جزایی نظیر قسامه، قسم، استفاده از قرعه برای تعیین مسئول کیفری و اموری نظیر افراط در ارج نهادن به علم قاضی و شهادت شهود، هنوز در حقوق عرفی کشور ما بدرستی تبیین نشده است.

تطبیقی، به بررسی راه‌های اثبات دعوای جزایی دست یازم. نتیجه آنکه، این جلد به «اندیشه‌ها» اختصاص یافت.

عنوان «اندیشه‌ها» حامل بار معنایی مثبت و جانبدارانه‌ای است؛ اما نویسنده آهنگ آن را ندارد که تغییر اصول دادرسی‌های کیفری را مفید و مطلوب معرفی کند؛ البته یکسره محکوم کردن این تغییر را نیز روانی شناسد، اگر چنین باوری داشت از واژه‌هایی چون بدعت‌ها، کژاندیشی‌ها و کجروی‌ها استفاده می‌کرد.

چه بسا بتوان گفت هر طرح، ایده و نظر، برای صاحب آن، یک «اندیشه» است؛ اندیشه‌ای که ممکن است برای جامعه مفید و سازنده یا زیانبار و نامطلوب باشد؛ حتی یک اندیشه می‌تواند در اوضاع و احوالی راهگشا، و در شرایطی دیگر بازدارنده و پر زیان باشد؛ اما به هر صورت ابراز کننده و رایه دهنده هر نظر و اندیشه، آن را مطلوب و بخردانه می‌داند، در غیر این صورت آن را مطرح نمی‌کرد. پس اصولاً صاحب نظران، دل‌باخته نظر خویشند و اندیشمندان شیدای اندیشه خود: ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾^۱

فرض خوشبینانه‌تر این است که اندیشه‌های حقوقی بی طرفانه ابراز می‌شود. در فضای علمی - قضایی، بی آنکه حب و بغضی باشد یا پیش داوری، ذره‌ای از فروغ خورشید حقیقت کاسته باشد، «اندیشه‌ها» با محک خرد و تجربه سنجیده می‌شود و هر کدام را وجدان بیدار جامعه و فرشته عدالت پذیرفتند، برگزیده می‌شود و بر آن لباس قانون و ماده و تبصره پوشیده می‌آید. حقوق دان آزاده و حق باور، مومن به این آیت است: ﴿قَبِّلُوا عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾^۲

گمان دارم با این توضیح روا باشد بگویم در کتاب حاضر «اندیشه‌ها» مورد بررسی است، تا بر خوانندگان چه مقبول افتد.

سپاس از این عزیزان را بر خود فرض و فریضه می‌دانم: حضرت آیت الله مهدی قاضی، رئیس محترم و فرهنگ دوست دانشگاه قم، که مایه‌های پیشرفت و اسباب اعتلای آن دانشگاه را فراهم کرده‌اند؛ معاونت محترم پژوهشی دانشگاه و مدیر

۱ - سوره مبارکه روم، آیه ۳۲.

۲ - سوره مبارکه زمر، آیات ۱۷ و ۱۸.

دانشمند انتشارات اشراق (دانشگاه قم) جناب آقای سید حشمت الله احمدزاده، که با پشتکاری چشمگیر و تلاشی ارزنده این جانب رایاری داده‌اند؛ آقای سیدمسعود نوری، ویراستار خوش ذوق و دانای کتاب که با نکته سنجی‌های بخردانه، ایرادهای ویراستاری را بر طرف ساخته‌اند؛ نیز سایر دست اندرکاران محترم دانشگاه قم و انتشارات اشراق که با صفا و دلسوزی موجبات چاپ و نشر بهنگام این کتاب را فراهم کرده‌اند. قدردان جملگی هستم و سلامت، سعادت و رستگاری آنان را از خداوند جلیل مَنان خواستارم.

چون دعامان امر کردی بی حجاب این دعای خویش را کن مستجاب
منگر اندر فعل ما وقت نظر اندر اکرام و عطای خود نگر

دکتر محمود آخوندی
تهران - شهریور ۱۳۷۹ خورشیدی

پیش‌گفتار

جلد چهارم کتاب «آیین دادرسی کیفری» چهار بخش دارد. بخش یکم سیری است در اندیشه‌های محوری قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب؛ و طی چند گفتار کوتاه، درباره این قانون و اندیشه‌های ارایه شده در آن، سخن خواهد رفت. سپس اندیشه‌های جدید در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، از لحاظ پیشبرد اهداف حقوق بشر بررسی می‌شود و سرانجام کتاب با گفتارهایی درباره اعتراض بر احکام جزایی و اندیشه‌های گوناگون دیگر به پایان می‌رسد.

به این ترتیب، کتاب دارای چهار بخش است که جملگی به حقوق داخلی اختصاص دارد:

بخش یکم: اندیشه‌های محوری قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب. این بخش شامل شش فصل است که هر یک، از زاویه‌ای به قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب می‌نگرد. مثلاً فصل دوم صرفاً به بررسی ماده یک آن قانون پرداخته است و فصل سوم وضعیت قاضی تحقیق در آن قانون را به بحث و نقد گذارده است.

بخش دوم: سیری در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری از لحاظ پیشبرد اهداف حقوق بشر.

همان‌گونه که از عنوان این بخش آشکار است، مطالعه‌ای بر مبنای حقوق بشر است

و به قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری از این زاویه می‌نگرد. به هر روی امروزه رعایت حقوق بشر و موازین شناخته شده آن، در وضع قوانین امر مهمی است که حتی گاه به مسئولیت‌های فراملی دولت‌ها مربوط می‌شود. بخش سوم: اعتراض بر احکام کیفری.

در این بخش طرق اعتراض بر احکام و روش‌های عادی و فوق العاده آن و تجدیدنظرخواهی مورد بررسی قرار گرفته است. اما هدف اصلی از این مطالعه، بررسی تجدیدنظر درباره احکام صادره مربوط به جرایم مواد مخدر است که بیشتر از هر قانون دیگری حقوق متهم را نادیده می‌گیرد. بخش چهارم: اندیشه‌های گوناگون.

واپسین بخش کتاب در پرگیرنده مطالب متنوعی است و شامل چند مساله مهم در نظام حقوق و آیین دادرسی است که سعی شده ضمن طرح مشکلات موجود، راه حل‌هایی نیز پیشنهاد شود.